

### بخش خصوصی جدا از مردم نبود

واژه بخش خصوصی در زمان جنگ ۸ ساله معنی نداشت.



علی‌شمس‌اردکانی عضو هیئت‌نمایندهان اتاق بازرگانی

از مردم نبود و این بخش کمک‌های پشت جبهه و داخل جبهه را انجام می‌داد. تمام تشکل‌ها، اتحادیه‌ها و صنوف مختلف تحت عنوان مردم همراه رزمندگان بودند. بخش خصوصی هر چه داشت را به جبهه فرستاد و فعالان بخش برای کمک به جبهه‌ها از هم سبقت می‌گرفتند. آن زمان بنگاه‌های دولتی، نیمه دولتی و خصوصی وجود نداشت. امام(ره) اعلام کرده بود از محل وجوهات می‌توانید به جبهه کمک کنید. طبیعی است رانت‌خواران و فاسدان که وجوهاتی نمی‌دهند. پس کسانی که وجوهات به جبهه می‌دادند فعالان اقتصادی درستکار بودند. البته آن زمان هم کسانی از شرایط استفاده کردند، وجه ارزی از دولت گرفتند تا ابزار نظامی وارد کنند اما هیچ وارداتی نداشتند و خودشان هم با همان دلارها به آمریکا و کانادا... مهاجرت کردند. اما مردمی بودن جبهه‌ها در تمام منطقه نمود داشت و فقط مردم داخل ایران به جبهه‌ها کمک نمی‌کردند. بخش خصوصی کالا و خدمات به جبهه‌ها ارسال می‌کرد. بیشترین کمک‌ها مربوط به سندیکیای شرکت‌های ساختمانی بود که تجهیزات خود مانند ماشین‌آلات سنگین، لودر جرتللی... را روانه جبهه‌ها کرد و بیشتر سنگرها با این تجهیزات ساخته شد. بخش خصوصی زمان جنگ همان مردم بود و جدا از مردم عادی نبود. کمک‌های مردمی و حضور مردم در جبهه‌ها حتی صدام را عصبانی کرد. زمان جنگ من سمت سفیری ایران در کویت را داشتم. جبهه مردمی ایران در منطقه وسیع بود و قبل از حمله صدام نقشه او برای حمله، به دست ایران رسیده بود. از همان وقته‌های آغازین جنگ مردم منطقه و ایرانی‌ها و فعالان اقتصادی مقیم کشورهای دیگر کمک‌های خود را روانه ایران و جبهه‌ها کردند. حضور مردم در پشت جبهه بسیار در پیروزی در عملیات‌ها نقش داشت. می‌توان گفت بعد از تسخیر لانه جاسوسی، آمریکا، عربستان و اسرائیل در پشت صحنه، صدام را برای حمله به ایران وا‌پا درآوردن جمهوری نوپای اسلامی تحریک کردند. آنها فکر نمی‌کردند در جنگ قبل از حکومت با نیروهای مردمی مواجه می‌شوند. ستاد کمک‌های مردمی به جبهه هم در داخل و هم در تمام کشورهای منطقه فعال بود. کشتی و هواپیماها کمک‌های مردمی ایرانیان و حتی مردم منطقه که به مظلومیت ایران در جنگ واقف بودند، را به ایران می‌بردند. سران کشورها متعجب بودن از حضور مردم و فعالان بخش‌های مختلف در داخل و پشت جبهه‌ها. خاطراتی که از آن زمان مانده چیزی جز همبستگی طیف‌های مختلف مردمی برای کمک به جبهه‌ها نیست. الان هم در این شرایط اقتصادی به این نوع همبستگی نیاز داریم. ضربه زدن به منافع ملی بدترین آفت برای کشور است. در این سال‌ها برخی تندروی‌ها موجب تنها ماندن ایران در صحنه بین‌المللی شده است. باید تلاش کنیم روحیات از خودگذشتگی زمان جنگ را حفظ کنیم.

## پالایشگاه‌ها یک دژ محکم بودند

ادامه از صفحه ۱۵

■ **چطور ایرانی‌ها توانستند کارهایی را که تا به حال انجام نداده بودند، خودشان پیش ببرند؟ چرا بیش از این‌ا از دانش متخصصان ایرانی استفاده شده بود؟**

وقتی پشتیبان پیدا کنید، افکار‌ای و تخصص‌ها ظاهر می‌شود. عین مسأله ارتش است. حکومت شاه از آنها دفاع نکرد اما مردم از آنها حمایت کردند و آنها هم جرات به خرج دادند و پا در میدان گذاشتند.

به تعبیری، وقتی تخصص هست اما حمایت نیست، بروز تخصص متوقف می‌شود. اما وقتی تخصص هست و حمایت هست، این تخصص ظهور پیدا می‌کند.

البته این تعمیرات مداوم در دوران جنگ و زمانی که می‌برد، بستگی به سطح خرابی داشت. برخی‌ها همان موقع انجام می‌شد و برخی هم طول می‌کشید. اگر قطعات نیاز داشت، می‌رفتند و قطعات را قاچاقی می‌آوردند و بعد خودشان کار را در دست می‌گرفتند.

کشور ما وسیع است و منابع نفتی خیلی زیاد است. برکت الهی آنقدر زیاد بود که در زمان وزارت نفت، با همان بنزین ۳ تومان و گازوئیل ۲ ریال بودجه تأمین می‌شد و به اکثر تشکیلات هم کمک می‌کردیم. پول اضافه می‌ماند و مجوزها را می‌گرفتم و کمک می‌کردیم.

مهندس موسوی روزی اعلام کردند که ارومیه ۵۰۰ بار حمله هوایی شده هر که می‌تواند کمک کند. من همان موقع تلفن زدم و یک میلیارد و ۲۵۰ میلیون تومان پول دادم.

مهندس موسوی سال‌های بعد گفتند که آن پول خیلی برکت داشت و برای بازسازی و نوسازی به مردمی که خانه

محمود حجتی، وزیر سابق جهاد کشاورزی و مسئول ستاد پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی (قرارگاه گریلا) بود. آنها در واقع ملقب به سنگرسازان بی سنگر بودند. به نظر می‌آید که این مصاحبه در اواخر سال ۱۳۶۰ یا اوایل سال ۱۳۶۱ انجام شده باشد:

**در خدمت برادر حجتی هستم و در نظر داریم که در مورد کارهایی که پشتیبانی جنگ در رابطه با جنگ و عملیات مانجام داده، صحبت کنیم. مسئول مهندسی جبهه‌های پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی ستاد گریلا، برادر حجتی خواهش می‌کنیم که در مورد کارهایی که جهاد از آغاز جنگ تا شروع عملیات ثامن الانمه انجام داده، توضیحاتی ارائه‌بفرمایید.**

■ **بسم الله الرحمن الرحيم. سنت الهی و قانون نظام برای این بوده که حق بر باطل غالب‌شود و اباد در این نسبت خدا تغییری نخواهی یافت. بنده حقیر خیلی کوچک‌تر از آن هستم که بخواهم در رابطه جنگ و عملیات‌ها و کارهای رزمندگان حرف بزنم. ولی براساس آنچه وظیفه شرعی من است و برای آنکه در تاریخ ثبت‌شود و سرمشق آیندگان باشد تا مرتباً از آن درس بگیرند، عرض می‌کنم.**

وقتی دشمن یعنی ما از زمین و آسمان به کشور اسلامی ایران هجوم آورد که با پشتیبانی تمام ابر قدرت‌ها و خیلی از اسران منافقین همراه بود. ملت مسلمان ایران از زن و مرد، پیر و جوان می‌دانستند که دشمن فقط به ایران حمله نکرده بلکه به انقلاب اسلامی ایران هجوم آورده، در مقابل این هجوم ایستادند و با جنگ و دندان در مقابل دشمن ایستادگی کردند. از هر گوشه مملکت هر کسی که ندای امام عزیزمان را شنید، با دست خالی به سمت جبهه حرکت کرد. با اینکه نمی‌دانست کجا هست و کجا می‌رود، به جبهه آمد تا در مقابل دشمن بایستد. با جان و مال جهاد کردند و امروز می‌بینیم که اسلام و انقلاب پیروزمند و موفق است. نیروهای جهاد سازندگی هم که ارگانی جوشیده از مردم بود، در همان روزهای اول جنگ، هر کدام از گوشه و کنار این مملکت، از روستاهای دور دستی که مشغول به کار بودند، به سوی جبهه‌ها حرکت کردند و ظرف ۳-۲ روز مخصوصاً به خوزستان که مرکز هجوم دشمن بود، آمدند و با خود امکانات مردمی را راه انداختند و در منطقه حضور پیدا کردند. از آنجایی که بیشتر عملیات ما سمت خرمشهر بود و قصد دشمن گرفتن آن بود؛ برادران جهاد اصفهان، از اهواز به طرف خرمشهر حرکت کردند و از این برادران شاید بیشتر از ۳-۲ نفر زنده نباشند که در بین رزمندگان هستند ولی بیشتر آنها شهید شدند.

■ **کار جهاد روی کدام بخش‌ها متمرکز بود؟**
فعالیت‌های جهاد تا قبل از عملیات ثامن الانمه سه مرحله بود. موقعی بود که کار جهاد به اصطلاح گرفتن جلوی دشمن بود. در مرحله دیگر، زمانی که دشمن هجوم می‌آورد و جهاد در مقابل هجوم آنها سدها و موانع ایجاد می‌کرد و کارهای پزشکی و اقداماتی از این دست انجام می‌داد. موقعیت

هایشان خراب شده بود، کمک کردیم. پس از آن هم هر چا رفتم برکت‌ها فراوان بود. لذا من نگران کشور نیستم. به اندازه کافی متخصص، اپراتور و سرمایه هست. کشور ما خیلی ثروتمند است. حتی از اسکاندیناوی ثروتمندتر است.

■ **گفته می‌شود که در بین پالایشگاه‌ها، پالایشگاه آبادان بی‌وقفه مورد حمله قرار می‌گرفت. چرا؟**

این پالایشگاه نزدیک به مرز بود و شاید به همین خاطر بیشتر مورد حملات قرار می‌گرفت؛ اما علت اینکه آبادان مثل خرمشهر سقوط نکرد، وجود همین پالایشگاه بود. از نظر فیزیکی، پالایشگاه قوی و مانند سنگر بود و هم آدم‌هایش خیلی خوب بودند و تا وقتی جنگ بود از آبادان تکان نخوردند.

در این سال‌ها که پالایشگاه آبادان مدام بمباران می‌شد، یک نفر تقاضای مرخصی نکرد و تعدادی از این کارگران عزیز پالایشگاه شهید شدند اما یکی نیامد مرخصی بگیرد و این داستان خیلی زیبایی است.

از جان گذشتگی برای مردم و وطن حرف اول را می‌زد. باور بفرمایید که وقتی هم استاندار خوزستان بودم و جنگ شد، یک نفر از این مدیران استان نیامد بگوید که کار دارم و مرخصی می‌خواهم. در تمام مناطق نفت خیز جنگ بود و شهید می‌دادند. شرکت لوله‌سازی اهواز یک روز ۲۲ شهید داد اما کار تعطیل شد.

دائم تلمبه خانه‌ها توسط صدام بمباران می‌شد. باز هم می‌ایستادند و نفت را به داخل و خارج می‌رساندند. حاضر بودند که شهید شوند اما سوخت به مردم برسد. یک نفر نیامد که بگوید از خانواده من شهید شدند و کمک می‌خواهم.



سجاد صفری / ایران

دیگر، حالت پدافندی نیروهای ما بود و زمانی که دشمن دیگر نمی‌توانست حمله کند و کارهایی نظیر سنگرسازی‌ها انجام می‌شد. بعد هم کارهای عملیاتی کوچکی بود که در قسمت‌ها و محورهای مختلف انجام می‌شد. از جمله عملیات‌هایی که در جبهه سوسنگرد و کرخه نور بود و عملیات دارخوین و عملیات‌های کوچک دیگر تا عملیات ثامن الانمه که شکست حصر آبادان بود. عملیاتی بزرگ که با آن موفقیت زیادی نصیب رزمندگان اسلام شد. کارهایی که جهاد با بسیج نیروهای مردمی کرد و آنها را از روستاها و شهرها حرکت داده بودند و به جبهه‌ها آورده بودند، خیلی زیاد است.

بیشتر جهادهایمان از شهرستان‌هایی بودند که مورد هجوم دشمن قرار گرفته بود. تا پیش از هجوم کارهای اساسی که جهاد کرده بود ساختن موانع و رگام بود. ساختن سایتی بود که در مناطق دست خودمان بود و جلوی هجوم هواییماهای دشمن را می‌گرفت یا تعمیرگاه‌هایی بود که با نبودن هیچ نیروی مکانیک وکارگاهی در کل استان و بسته شدن مغازه‌ها ایجاد می‌شد. همین طور مسأله پزشکی و راه انداختن بیمارستان‌ها از کارهای خیلی مهم در روزهای اولیه جنگ بود که جهاد سهم بسزایی در این‌ا رابطه داشت.

**در مورد قبل از عملیات ثامن الانمه فرمودید که چند حرکتی بود که نیروهای خودی انجام دادند. در این رابطه اگر ممکن است توضیح بیشتری بدهید. دقیقاً چه مناطقی و چه اهدافی در آن قرار داشت؟**

تقریباً تا عملیات دارخوین، مسائل سیاسی در مملکت ما بود. بنی صدر لعتی که چه جنایت‌ها و خیانت‌هایی نکرد و در این جنگ چه مصیبت‌هایی وارد نکرد. با رفتن او و حاکمیت جمهوری اسلامی بدست رزمندگان اسلام و نیروهای حزب الله، عملیات دارخوین و بعد از آن عملیات ثامن

الانمه و سپس چند عملیات بزرگ وگسترده شد ولی عملیات‌های کوچک دیگری هم بود. در یک عملیات دشمن روی بهمنشیر پل زده بود و به این طرف رودخانه آمده بود و دیگر ساعت‌های آخر ما بود و دشمن فکر می‌کرد که آبادان در دستش است. اما از همان لحظات جهاد کارهای اساسی را در آن منطقه شروع کرد و بدون داشتن هیچ امکانات، دستگاه مهندسی و ماشین آلات در آن عملیات تعدادی از دستگاه‌های دشمن را به غنیمت گرفت و با بسیج امکانات بچه‌های رزمنده دشمن را از بهمنشیر به عقب راندند. تا عملیات ثامن الانمه با همان دستگاه‌های غنیمت گرفته شده سنگر و خاکریز ساختیم. هر خاکریزی که می‌بینید؛ هر سنگری که در آبادان می‌بینید؛ اگر هر کانال و کار مهندسی در آبادان به چشم می‌خورد؛ از طریق جهاد ساخته شده بود. برادران از همان عملیات ذوالفقاریه شروع به ساخت خاکریز کردند و در مقابل دشمن یک خط پدافندی سخت ایجاد کردند.

بعضی از برادران شبانه می‌رفتند و دستگاه‌هایی را که جلوی دشمن بود، از دستشان می‌گرفتند و دستگاه مهندسی را به عقب می‌آوردند و بعد در آبادان از آن استفاده می‌شد.

عملیات‌های دیگری هم بود که به دشمن هجوم می‌آوردند و بعد با انهدام دوباره به عقب برمی‌گشتند تا موفق ترین عملیاتی که در تپه‌های شهید مؤذنی بود. معروف بود به تپه‌های میدان تیر که جهاد در آن عملیات سهم بسزایی داشت. از برادرانی که آنجا بودند می‌شود سؤال کرد که چقدر برادران کار کردند. در آن زمین کفی آبادان و با آن غروری که دشمن داشت و به خود اجازه یک لحظه حرکت کردن نیروهای ما به طرف خودش را نمی‌داد. آن غرور شکسته بود. امام فرموده بودند که حصر آبادان هر چه

ششم جمعیت به استقبال امام آمدند. ۱۰ سال بعد امام خمینی به رحمت خدا رفت و ۹ میلیون نفر امام را مشایعت کردند و ۴۵ میلیون نفر جمعیت کشور بود که به این ترتیب یک پنجم جمعیت امام را مشایعت کردند.

۴۰ سال بعد دونالد ترامپ، سردار قاسم سلیمانی را شهید کرد و ۲۵ میلیون نفر ایشان را مشایعت کردند که با جمعیت ۸۰ میلیون نفری می‌شود حدود یک سوم جمعیت ایران. به شما قول می‌دهم که اگر به انقلاب آسیب برسد، یک دوم جمعیت فداکاری می‌کند. انقلاب سر جای خودش هست و سوءاستفاده کنندگان به جهنم واصل می‌شوند.

البته در اینجا ذکر کنم که انقلابی بودن به اسم نیست، به رفتار است و همان موقع هم عده‌ای برای انقلاب نقشه می‌کشیدند که به جای پیروزی انقلاب، خودشان پیروز شوند. اما انقلاب سر جای خودش است و سوء استفاده کنندگان از بین می‌روند. اعتبار به گفتار نیست؛ به کردار است. خیلی‌ها در زمان جنگ حتی حاضر بودند که خودشان را روی مین بیندازند و بعد هم صاحب منصب شدند. اما الان کجا هستند؟ در آمریکا و کانادا.

■ **فکر می‌کنید که اگر دوباره جنگ شود، مردم مانند آن روزها از کشور جانانه دفاع می‌کنند؟**

الان هم مردم پای کار هستند. این همه فشار وارد می‌شود و عکس‌العمل نشان نمی‌دهند. آن زمان به لحاظ اقتصادی امکاناتی بود که بین همه تقسیم می‌شد و راضی بودند. اما وقتی یک نفر خانه ۷۰۰ میلیارد تومانی دارد و دیگری حتی یک اتاق ۳۰ متری هم ندارد؛ شرایط سخت می‌شود. نباید از جیب فقرا درآورد و به جیب اغیا ریخت. آن موقع مردم عدالت اجتماعی را بین خودشان و ستاد کشور می‌دیدند.

مصاحبه منتشر نشده با محمود حجتی، وزیر سابق جهاد کشاورزی و مسئول وقت ستاد پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی

# سنگرسازان بی سنگر



جنگ خیلی مؤثر بود، در جبهه‌های آبادان برادران جهاد با بلندگوهایی که لب رودخانه کارون یا جبهه‌های نزدیک قرار می‌دادند و با گذاشتن نوار کاست‌های عربی و پیام‌های عربی دشمن یعنی را ارشاد می‌کردند و این خیلی در روحیه ارتش عراق مؤثر بود. قسمت پزشکی بود که باز این جهاد سازندگی در این قسمت کارهای خیلی زیادی انجام داد.

ساختن بیمارستان‌ها و اورژانس‌های مختلف کمتر از عملیات نبود. البته در قبال شکسته شدن خط مقدم دشمن و این اقدامات شهدای زیادی در حین عملیات از نیروهای جهاد و نیروهایی که از طریق جهاد اعزام شدند، شهید شدند.

آمبولانس‌ها علاوه بر حمل زخمی‌ها خودشان کارهای تبلیغی هم می‌کردند. از جمله روحانیونی که به لشکر ما اعزام می‌شدند، در بین نیروهای رزمنده در قسمت‌های مختلف به وظیفه خود عمل می‌کردند. از جمله بستن بلندگوها و ماشین‌هایی که برای ارشاد و روحیه دادن رزمندگان حرکت می‌کردند و دشمنان را در حین درگیری جهت تسلیم شدن به نیروهای رزمنده هدایت می‌کردند. تعمیرگاه‌های سیار در عملیات سهم بسزایی داشتند.

وقتی خطوط مقدم زیر آتش مستقیم دشمن بود، ماشین‌آلات مهندسی و ماشین‌های سبک و سنگینی که در جبهه‌ها کار می‌کردند و بر اثر ترکش یا مسأله دیگری خراب می‌شدند؛ در همان منطقه عملیات آنها را تعمیر می‌کردند و فقط اگر کار عمده بود آن را به عقب اعزام می‌کردند.

عملیات‌ها هم که تمام می‌شد، نیروها به منطقه‌ای که عملیات در آن صورت گرفته بود اعزام می‌شدند تا کار تکمیل و تعمیر و آماده کردن جاده‌ها را برای پدافند منطقه عملیات و تقویت خاکریزها و قسمت‌های پزشکی و تبلیغات انجام دهند. این برجسته‌ترین اقدامات جهاد سازندگی بود.

■ **در پایان، وجه تمایز ملت ایران و کشورهای دیگر درگیر جنگ را چه می‌دانید؟**

ملت ما خیلی قوی هستند. فکر می‌کنید علت اینکه دولت اوپاما در آمریکا رای آورد چه بود؟ این بود که قول داد آمریکا را از جنگ خارج کند و گفت جنگ را ادامه نمی‌دهم. مردم آمریکا ۴ هزار کشته داده بودند و برای راه‌ایی از این وضعیت دولت خود را عوض کردند. اما در مقابل من ببینم ملت دولتشان را عوض می‌کند و ۲۴۳ هزار شهید می‌دهد و حکومتش تکان نمی‌خورد. ملت ایران در مقایسه با تمام دنیا بی‌نظیر است.

می‌گفتند که در «فاو» به اندازه تمامی جنگ جهانی اول و دوم گلوله ریخته شد؛ اما تکان نخورد. صدام ۱۰ هزار تانک خرید و بود و دائم روی سر ما گلوله می‌ریخت اما اثر نکرد.

و به‌دنبال ایران مردم افغانستان، عراق، سوریه و یمن را ببینید. این حرف شیطانی است که برویم جنگ کنیم، تصرف کنیم و ملت‌سازی کنیم. این خواست طیف راست امریکاست. البته این حرف را می‌زنند اما درست عکس آن عمل شد. ایران ما متحد بوده و خواهد ماند. ایرانی سرزمینشان را دوست دارد و زیر بار زور و حرف نامربوط نمی‌رود. به‌عنوان آخرین کلام می‌خواهم به حکومت، دولت، مجلس و قوه قضائیه بگویم، ملت ایران شریف هستند. نباید اجازه داد که حقوق مردم ضایع شود. اگر کسی امتیاز طلبی کرد و حقوق مردم را ضایع کرد دنیا و آخرت را باخته است.

با تکیه بر همین تجربه ۷۰-۶۰ ساله خود می‌گویم که برتری جویی نباید کرد. فقرا داعیانش مستجاب می‌شود. هرکه حقوق فقرا را ضایع کند خدا در کمینش است. این کشور توسط مغول خراب شد، اما همین ملت آن را دوباره آباد کردند. این ملت بیدار است.